



The letters of the Qajar Chancellors (Edicts, Annotations and Notes): An Analytical Investigation

Alireza Niknejad¹

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Research paper

Abstract:

Purpose: The purpose of the study is to introduce some historical records of the Qajar period, namely edicts, annotations, and notes, and explain their importance while cataloging and describing archival records and in historical research of the Qajar period.

Method and Research Design: Library resources and archival records were used to describe, explain and analyze edicts, annotations, and notes.

Findings and conclusions: Findings show that in the Qajar era, edicts were the letters and correspondences issued by the Qajar. These records were issued in the administrative-judicial framework and had a special function. Annotations were the chancellor's note or order in the margins of the letters and other correspondence, whereas, notes were the chancellor's correspondence with the king

Keywords: The Qajar; Chancellor; Edict; Annotation; Notes.

Citation: Niknejad, A. (2022). Documentation of the letters of the Qajar chancellors (judgment, summary and writing). *Ganjine-ye Asnad*, 32(3), 136-165 | doi: 10.30484/ganj.2022.2951

1. PhD of History in Islamic Period,
National Library and Archives of Iran.
Tehran, Iran

alre.niknejad@gmail.com

Copyright © 2022, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«127»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.30484/GANJ.2022.2951

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 32, No.3, Autumn 2022 | pp: 136 - 165 (30) | Received: 16, May. 2021 | Accepted: 24, Aug. 2021

Archival research





فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشیوی

مقاله پژوهشی

سندشناسی مکتوبات صدراعظم‌های قاجار (حکم، تعلیقه، نوشته)

علیرضایک نژاد^۱

چکیده:

هدف: معرفی اسناد دیوانی حکم، تعلیقه، و نوشته صدراعظم‌های قاجار، و تبیین اهمیت این اسناد در شناخت و فهرست‌نویسی اسناد و پژوهش‌های تاریخی عصر قاجار.

روش / رویکرد پژوهش: روش مقاله توصیفی-تحلیلی است و اطلاعات آن با بهره‌گیری از منابع اسنادی و کتابخانه‌ای و مدارک موجود از قبیل احکام، و بودجه مستمریات کل ممالک محروسه استخراج شده است. این منابع به لحاظ ساختار و کارکرد و محتوا در جهت توصیف و تبیین و تحلیل «حکم» و «تعلیقه» و «نوشته‌جات» استفاده می‌شوند.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: به نوع نامه‌ها و مکاتبات دیوانی صدراعظم‌های دوره قاجار حکم اطلاق می‌شد. این سند در چارچوب اداری-دیوانی صادر می‌شد و کارکرد خاصی داشت. به یادداشت، دستور و نوشته صدراعظم در هاشم نامه‌ها و مکاتبات دیوانی، تعلیقه و به مکاتبات صدراعظم با شاه نوشته‌جات می‌گفتند.

کلیدواژه‌ها: قاجار؛ صدراعظم؛ حکم؛ تعلیقه؛ نوشته.

استناد: نیک نژاد، علیرضا. (۱۴۰۱). سندشناسی مکتوبات صدراعظم‌های قاجار (حکم، تعلیقه و نوشته)، گنجینه اسناد، ۳۲(۳)، ۱۳۸-۱۶۷ | ۱۶۷-۱۳۸، (۳)۳۲، ۲۰۲۲، ۲۹۵۱ | doi: ۱۰,۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۲,۲۹۵۱

۱. دکتری ایران دوره اسلامی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، تهران، ایران
alre.niknejad@gmail.com



گنجینه اسناد

۱۲۷

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰,۳۰۴۸۴/GANJ/۱۰,۳۰۴۸۴ | ۲۰۲۲,۲۹۵۱

نمایه در Researchgate, Google Scholar, SID, ISC و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۳۲، دفتر ۳، پاییز ۱۴۰۱ | صص: ۱۳۶ - ۱۶۵ (۳۰)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۹/۱۰ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۱۷

تحقیقات آرشیوی

۱. مقدمه

اسناد تاریخی امروزه اهمیت و جایگاهی ویژه در تحقیقات و پژوهش‌های تاریخی و علوم اجتماعی پیدا کرده‌اند. اگرچه امروزه اسناد مورد توجه برخی از پژوهش‌گران قرار گرفته‌اند، باین حال پژوهش در زمینه شناسایی، معرفی، قالب و ساختارشناسی اسناد به‌کندی پیش می‌رود و برخی از مورخان و پژوهش‌گران هم‌چنان در استفاده از اسناد در پژوهش‌های تاریخی ابا دارند. دلایل این رویکرد شاید نبود نظام تئوریک، نبود روش تحقیق صحیح و هم‌چنین دشواری شناخت و خوانش اسناد باشد؛ بنابراین طبیعی است که اندک مطالعات و کارهای انجام‌شده در این زمینه، از خوانش اسناد فراتر نرود.

۲. بیان مسئله

درباره اهمیت و نقش اسناد تاریخی در پژوهش‌های تاریخی به بحث و گفت‌وگو نیازی نیست، ولی شناخت این اسناد اجمالی است؛ به عبارت دیگر، با وجود انواع اسناد دیوانی و غیردیوانی موجود از دوره قاجار در بسیاری از مراکز اسنادی و آرشیوهای دولتی و خصوصی، هنوز نام و اصطلاح دیوانی این اسناد برای برخی از سندپژوهان مشخص نیست؛ در نتیجه برای تاریخ‌پژوهان هم این ابهام وجود دارد که نام این اسناد چیست؟ این اسناد دارای چه قالب‌ها و ساختارهای شکلی و محتوایی و جنبه‌های سندشناسی هستند؟ و چه کاربردی در تحقیقات تاریخی دارند؟

تولید و صدور اسناد، از اصول خاصی برخوردار بوده‌است و هر یک از آن‌ها دارای نام و اصطلاحی بوده‌اند. نام و اصطلاح برخی از آن‌ها در هر دوره‌ای تغییر می‌کرده‌است و بعضی دیگر تا چندین دوره متوالی ثابت و بدون تغییر می‌مانده‌اند.

۳. طرح موضوع

پادشاهان قاجار در تقسیم و توزیع قدرت و وظایف و امورات دیوانی و غیردیوانی، بخشی از اختیارات خود را میان دیوان‌سالاران تقسیم می‌کردند. دیوان‌سالاران بنابر ساختاری معین، هر یک دارای اختیاراتی خاص بودند و امورات دیوانی را در قالب اسناد و مکاتبات مشخصی انجام می‌دادند. بنابراین لازم است تا انواع این اسناد و نام و کاربرد آن‌ها شناخته شود. صدراعظم به‌عنوان نایب‌مناب^۱ و شخص اول دولت، مجری برخی از وظایف اجرایی ممالک بود و دستورات و امور اجرایی را در قالب «حکم» و «تعلیقه» صادر می‌کرد. پژوهش حاضر درصدد است که ساختار و کارکرد و ویژگی‌های این نوع از اسناد دوره قاجار را معرفی و تبیین کند. «احکام» و «تعلیقه‌جات» و «نوشته‌جات» از منابع اصلی شناخت اصطلاحات

۱. نایب‌مناب (nāy'ebmanāb) / جانشین؛
قلم‌مقام.



دیوانی و مکاتبات دیوانی صدراعظم است و شامل داده‌های مهمی درباره جایگاه صدراعظم در مراتب قدرت و وظایف او در دستگاه دیوان‌سالاری عصر قاجار است.

۴. پرسش اصلی

نام و نوع دستورات مکتوب دیوانی صدراعظم در زبان دیوانی دوره قاجار از جنبه اسنادی چیست؟

۵. پرسش‌های فرعی

دستورات مکتوب دیوانی صدراعظم‌ها به چه منظوری صادر می‌شد؟ ساختار یا سیمای بیرونی آن‌ها چگونه بود؟ نحوه مکاتبات صدراعظم با شاه چگونه بود؟

۶. منابع پژوهش

اسناد موجود در آرشیو سازمان‌ها، به‌ویژه سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران و موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران از منابع پژوهش حاضرند.

۷. اهمیت و ضرورت پژوهش

ماهیت اسامی «حکم» و «تعلیقه» و «نوشته‌جات» تا به امروز برای دانشجویان تاریخ و اسناد و مدارک آرشیوی و پژوهندگان اسناد، ناشناخته مانده‌است و اگر شناختی وجود دارد، کلی است؛ بنابراین پژوهش در این زمینه بسیار ضروری به نظر می‌رسد. شناخت ساختار و کارکرد این اسناد در دوره قاجار نیز بر اهمیت این پژوهش می‌افزاید.

۸. هدف پژوهش

هدف پژوهش حاضر، تبیین ساختار شکلی و محتوایی سند حکم و نوشته‌جات است.

۹. روش پژوهش و گردآوری داده‌ها

روش این پژوهش توصیفی-تحلیلی است و بر مبنای گردآوری داده‌های متون تاریخی و اسناد و مدارک آرشیوی موجود در مراکز اسنادی انجام شده‌است.

۱۰. پیشینه پژوهش

در میان آثار منتشر شده در زمینه اسناد دوره قاجار، جهانگیر قائم مقامی تنها کسی است که در کتاب «مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی» به تعریف اجمالی حکم می‌پردازد و صرفاً به نقل از منابع اکتفا می‌کند و از میان احکام گوناگون، فقط به احکام سلطانیات در ادوار تاریخی می‌پردازد و دیگر شقوق احکام، نظیر حکم و تعلیقه و نوشته صدر اعظم‌های دوره قاجار را معرفی نمی‌کند. بنابراین در زمینه شناخت و معرفی احکام و تعلیقه‌جات و نوشته‌جات صدر اعظم‌های دوره قاجار - با وجود اهمیت این موضوع چه در تحقیقات تاریخی عصر قاجار و چه در فهرست‌نویسی اسناد - تاکنون مقاله یا کتابی نگاشته نشده است.

۱۱. تاریخچه حکم و تعلیقه صدر اعظم‌های دوره صفوی

از نوع سند و دستور مکتوب دیوانی صدر اعظم‌ها در دوره‌های تاریخی اطلاعات چندانی در دست نیست و این اسناد تاکنون به صورت دقیق تعریف نشده‌اند و تنها در لابه‌لای اسناد و دستورالعمل‌ها مختصراً به آن‌ها اشاره شده است.

در زمینه تعلیقه، از دوره صفوی، و به‌ویژه در کتاب تذکره الملوک میرزا رفیعا و تعلیقات مینورسکی اطلاعاتی وجود دارد. بنابر مندرجات تذکره الملوک، به دستورات صدر اعظم یا وزیر دیوان اعلی تعلیقه، رقم تعلیقه و تعلیقه‌چہ اطلاق می‌شد: «تفصیل شغل واقعه‌نویس آن است که جواب نامه‌هایی [را] که از پادشاهان به پادشاه ایران نوشته شود، واقعه‌نویس انشاء نماید و ارقام مناصب و ملازمت و همه‌ساله و تیولی که از دفاتر خلود صادر شود و هرگونه رقمی که پادشاه «به‌زیانی» مقرر دارد که آن را بالمشافهه می‌گویند یا این از قرار تعلیقه عالی جاه وزیر دیوان اعلی یا اینکه ... به واقعه‌نویس سپارند» (تذکره الملوک، ۱۳۳۸، ص ۱۵). «دادوستد کل مالیات دیوانی و وجوهات انفادی خزانه عامره^۲ و غیره بیوتات از کل ممالک ایران در دارالسلطنه اصفهان بدون تعلیقه و امر عالی جاه معظم‌الیه دادوستد نمی‌شود و جمعی که ملازم دیوان می‌شوند، اگر رقم بالمشافهه صادر نشده باشد و ریش سفیدان هر طبقه عرض نموده باشند، مادام که تعلیقه وزیر اعظم نرسد، رقم خدمت داده نمی‌شود. اگر رقمی به رساله احدی از مقربان نوشته شود، مادام که ضمن رقم به مهر وزیر نرسد، به مهر آثار مزین نمی‌گردد و خدمات جزئی و تعیین کتاب دفترخانه همایون و خاصه و عمله بیوتات معموره که قابل عرض به خدمت اقدس نباشد، از قرار تعلیقه‌چہ «عالی جاه وزیر دیوان اعلی» که برطبق تجویز عالی جاهان «مستوفی الممالک» و ناظر بیوتات و مقرب الخاقان «مستوفی خاصه» صادر شده باشد، رقم ملازمت محاسبات عمال و مؤدیان حساب دیوانی کل ولایات از بیگلربیگیان و حکام و سلاطین و وزراء و تحویل داران جزو و کل و متصدیان و ضابطان و غیرهم بعد از تعلیقه معظم‌الیه دفتری و مستوفیان عظام

۱. انفادی: ارسالی

۲. مسئول نگهداری وجوه و اشیای خزانه و مسئول اعاده و تحصیل مطالبات (تعلیقات مینورسکی، ۱۲۶۸، ص ۱۲۶).



محاسبه مشخص و مفصاحساب می‌دهند و اگر نقصانی و کسری در مالیات دیوان به‌جهتی از جهات حسابیه به‌هم رسد که در خدمت وزیر اعظم، مؤذیان حسابیه موجه و محکوم بنمایند، به‌جهت تحصیل دعای خیر و ترفیه حال رعایا و آبادی مملکت چنانچه جمع قدیم را جبر و ادعای نقصان را حسابی دانند، تعلیقۀ تخفیف داده، کُتاب دفترخانه دیوان اعلی و خاصۀ شریفه به تعلیقۀ وزیر اعظم مستند به همان شرح در دفاتر خلود ثبت و به نقصان عمل می‌نمایند و هم‌چنین نسخه‌جات دیوانی و اسناد خرج دفتری و مفصای صاحب‌جمعان و تحویل‌داران و تحصیل‌داران و تعلیقۀ جات مناصب جزو و کل به مهر وزیر اعظم رسیده بدانچه مقرر دارد معمول می‌دارند» (تذکره الملوک، ۱۳۳۸، صص ۵-۷).

در دورۀ صفوی به احضاریه‌های دیوان‌بیگی تعلیقۀ بیاضی می‌گفتند (مینورسکی، ۱۳۳۸، ص ۲۷۱). در بیان شغل دیوان‌بیگی در تذکره الملوک چنین آمده است: «اگر ظلم مزبور در حوالی شهر که مسافت آن بیش از ده‌دوازده فرسخ نبوده واقع می‌شده، دیوان‌بیگی تعلیقۀ بیاضی برطبق عرض عارض، به‌عهده قورچی اجرلو^۱ و غیره تاینان^۲ نوشته، غوررسی می‌نمود و اگر عارض از حال بعیده عرض شکایتی می‌نموده، دستور چنان بود که در مقدمۀ قتل مبلغ پنج تومان التزام عارض و دیوان‌بیگی تعلیقۀ قلمی [می‌کرد] و منشی دیوان هم تعلیقۀ قلمی [می‌کرد] و بعد از آن حکم صادر [می‌شد] و وجه التزام ابواب جمع محصل مزبور و حکم مزبور در دفترها ثبت و به دستور سایر وجوهات دادوستد می‌شد» (تذکره الملوک، ۱۳۳۸، صص ۱۲، ۱۳).

علاوه بر آن، دستور ناظر بیوتات، دیوان‌بیگی، امیرشکارباشی، خلیفۀ الخلفاء و امیرآخورباشی نیز تعلیقۀ بوده است: «شغل مشارالیه [عالی‌جاه ناظر بیوتات] آن است که در اول سال تعلیقۀ می‌نوشت که مُشرف بیوتات اخراجات شش‌ماهه سرکار خاصۀ شریفه را به‌محصلی احدی بعد از وضع باقی نقدی و جنسی و اجناس همه‌ساله‌جات که از ولایات حسب‌الرقم مقرری بوده که انفاذ شود ناظر بیوتات در اول سال تعلیقۀ نوشته، اعتمادالدوله رقم کند» (تذکره الملوک، ۱۳۳۸، صص ۹-۱۱).

هم‌چنین به دستورات مکتوب عالی‌جاه امیرآخورباشی، خلفا و صاحب‌جمعان خزانۀ عامره و سایر بیوتات نیز تعلیقۀ جات می‌گفتند (تذکره الملوک، ۱۳۳۸، صص ۱۴، ۱۸، ۲۸).

۱۲. تعریف لغوی و اصطلاحی حکم

حکم واژه‌ای عربی است که در ادوار تاریخی، در معانی و کارکردهای گوناگونی آمده است؛ ولی آنچه به‌گفتار ما نزدیک است، در لغت‌نامه‌ها به‌معنای حکومت، امر، مثال‌فرمودن، تحکم، امرکردن، فرمان‌دادن، حکم‌راندن و ... است (دهخدا، ج ۶، ۱۳۷۷، ص ۹۱۵۷)؛

۱. گروهی صدنفری که وظایف ژاندارمری را برعهده داشتند و تحت فرمان دیوان‌بیگی بودند (تعلیقات مینورسکی، ۱۳۶۸، ص ۱۵۴).
۲. تاینان: زبردستان، فرمان‌برداران؛ جمع تاین.



ناظم‌الاطباء، ج ۲، ۱۳۴۳، ص ۱۲۶۸). هم‌چنین به صنفی از احکام پادشاهی، حکم (حکم بیاضی) می‌گفتند (ناظم‌الاطباء، ج ۲، ۱۳۴۳، ص ۱۲۶۸) و این در فرمان‌ها و مکاتبات، به‌جای فرمان و به‌عنوان مترادف سلطانیات نیز به‌کار می‌رفته‌است (لسان‌الملک، ۱۳۷۵، ج ۱، صص ۱۱۱، ۱۵۴؛ خورموجی، ۱۳۴۴، ج ۱، ص ۹۱؛ هدایت، ۱۳۳۹، ج ۹، صص ۳۱۴، ۳۳۴). در دوره مغول و ادوار بعد نیز به دستورات سلاطین «حکم» اطلاق می‌شده‌است (همدانی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۰۶۶). از طرفی، به آرای قضات و روحانیون، حکم فقهی (شرعی) اطلاق می‌شد (دهخدا، ج ۶، ۱۳۷۷، ص ۹۱۵۷).

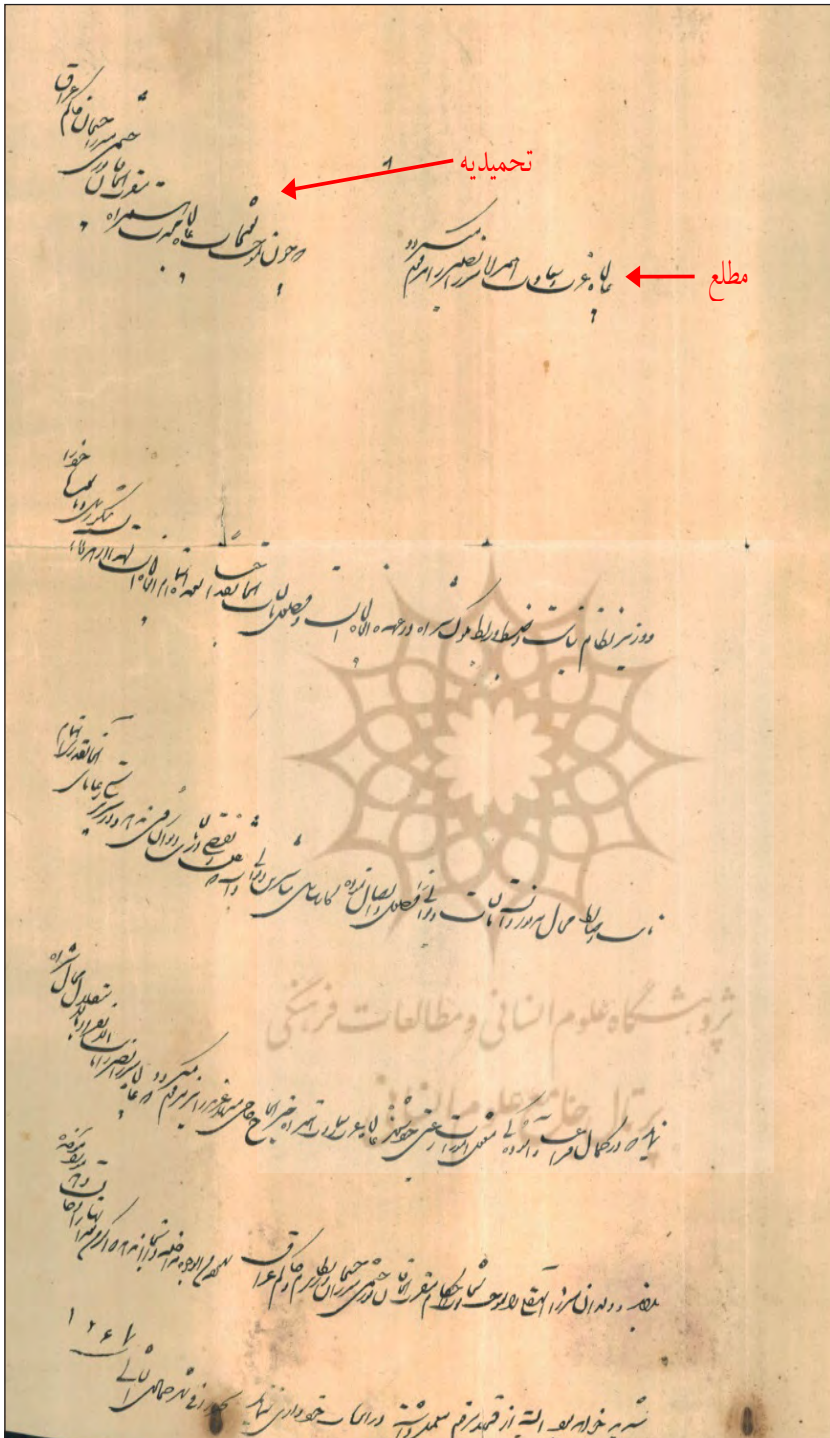
در دوره قاجار مسائل کلی ممالک را شاه ضبط‌وربط می‌کرد و حل و فصل مسائل و امور غیراز امر و دستور شاه برعهده صدراعظم بود. صدراعظم شخص اول دولت ممالک محروسه ایران و قائم‌مقام پادشاه محسوب می‌شد و دستوراتش در امور دیوانی و نظامی و ... را در قالب مرقومه و مکتوب دیوانی صادر می‌کرد. هم‌چنین صدراعظم (شخص اول دولت) در تعقیب دستورات شفاهی یا کتبی پادشاه و پیگیری امور دیوانی و مسائلی که قابل‌عرض به پادشاه نبود، احکام و دستوراتی صادر می‌کرد که نام اصلی و جنبه رسمی آن در مکاتبات و نامه‌های اداری در ادبیات دیوانی دوره قاجار اصطلاح «حکم» بوده‌است (ساکما، ۷۲۲۰-۲۹۵، برگ ۶۷/۱، ۶۸/۱).

قائم‌مقامی، حکم را چنین معرفی می‌کند: در متون فارسی به لفظ و کلمه حکم بسیار برمی‌خوریم که نویسندگان آن را در معانی گوناگون و بیشتر در معنی و مفهوم امر و دستور به‌کار برده‌اند؛ چنانکه در «التوسل الی الترسل» از تألیفات دوره خوارزمشاهیان نوشته شده‌است: «مثال جانب شریف فرزندی را زاد شریفا با فرمان ما موافق و قول او را [با] حکم ما مطابق دانند». از طرفی این کلمه به معنی مضمون و مفاد مصرحات فرمان‌های پادشاهان و هم‌چنین در معنی «به‌موجب و به‌مقتضی [به‌مقتضای]» نیز استعمال می‌شود... و درنهایت در تعریف حکم دچار تردید می‌شود و آن را معادل رقم قلمداد می‌کند. برای نشان‌دادن نمونه یکی از این احکام و یا ارقام، مقدمه حکم صادره درباره واگذاری حکومت کرمانشاهان به محمدحسین میرزا حشمت‌الدوله را در این‌جا نقل می‌کنیم: ... از دوره جلایریان به‌بعد رفته‌رفته کلمه مزبور در خارج از محدوده مفاهیم اداری و لغوی خود به‌صورت اصطلاحی دیوانی نیز به‌کار رفته‌است. این وضع را در کتاب دستورالکاتب می‌یابیم؛ به‌این ترتیب که حکم، به اوامر و فرمان‌های مکتوب پادشاه هم اطلاق شده‌است. در دوره تیموریان احکام برای امور مربوط به مشاهیر ایام و عرفا و بزرگان صوفیه صادر می‌شده‌است. در دوره قراقویونلوها و آق‌قویونلوها به اسنادی که برای ابقاء و تجدید و تأیید دستورات و فرمان‌های پیشین صادر می‌شد

حکم می‌گفتند و این وضع در دوره صفوی تا زمان شاه‌صفی نیز معمول بوده‌است. در احیاءالملوک از تألیفات دوره صفوی نیز چنین ضبط شده‌است که «به‌عرض می‌رسانند که در خلوت‌خانه، رقم را مطالعه نمایند و بعد از فراغ از مطالعه رقم و اطلاع بر حکم همایون به دیوان‌خانه اشرف آورند». رفته‌رفته حکم، به نوع خاصی از فرمان‌ها اطلاق شد که در درجه اهمیت کمتری بودند؛ مثلاً حکم احضار درباریان و امراء و رؤسا. حکم ظاهراً بدون طغراء بوده‌است. در دوره‌های بعد، به‌ویژه در دوره قاجار که دیگر به احکام و دستورات پادشاه رقم گفته نمی‌شد و رقم منحصرأ به اوامر و مخاطبات کتبی ولیعهد و شاه‌زادگانی اطلاق می‌شد که فرمانفرمایی و حکمرانی داشتند، اصطلاح حکم مترادف با رقم به‌کار می‌رفت (قائم‌مقامی، ۱۳۵۰، صص ۶۵-۷۳).

قائم‌مقامی تعریف مبهم دیگری نیز از حکم ارائه می‌دهد: «و اما به‌رحال ابهامی که درباره «حکم» باقی می‌ماند لفظ «حکم» به صیغه جمع «احکام» است که در تذکره‌الملوک و دستورالملوک با مضاف‌الیه‌هایی بسیار آمده‌است؛ مانند «احکام سیورغالات» «احکام تیولات»، «احکام مواجب» و ... و ... که در برابر اقسام «ارقام» به‌کار رفته‌است و از مشاهده آن‌ها در نظر اول این اندیشه به‌وجود می‌آید که مضمون احکام، قسمتی از مسائل مالی بوده‌است و احکام با ارقام تفاوت کلی داشته‌اند» (قائم‌مقامی، ۱۳۵۰، ص ۷۱). بنابراین، «حکم» صدر اعظم به سندی اطلاق می‌شد که از لحاظ سندشناسی موشح به علامات و دارای تصدیقات (یعنی تحمیدیه، مهر، متن، هامش) و رویه و ظهریه می‌بود. گفتنی است، در ادبیات دیوانی دوره قاجار، این اصطلاح جایگزین تعلیق عصر صفوی شد. در دوره صفوی احکام، به‌معنی آرای دیوان‌بیبگی نیز بوده‌است (تذکره‌الملوک، ۱۳۶۸، ص ۲۴) و مقصود از حکم چنانکه از فصل ۲۷ تذکره‌الملوک برمی‌آید، احکام کم‌اهمیت‌تر بوده‌است (مینورسکی، ۱۳۶۸، ص ۲۷۰).

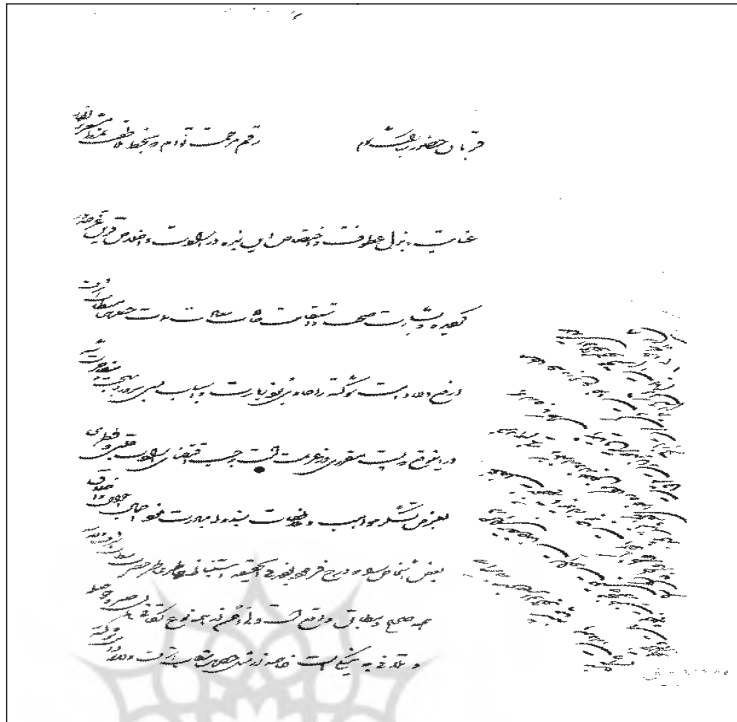
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



تصویر ۱

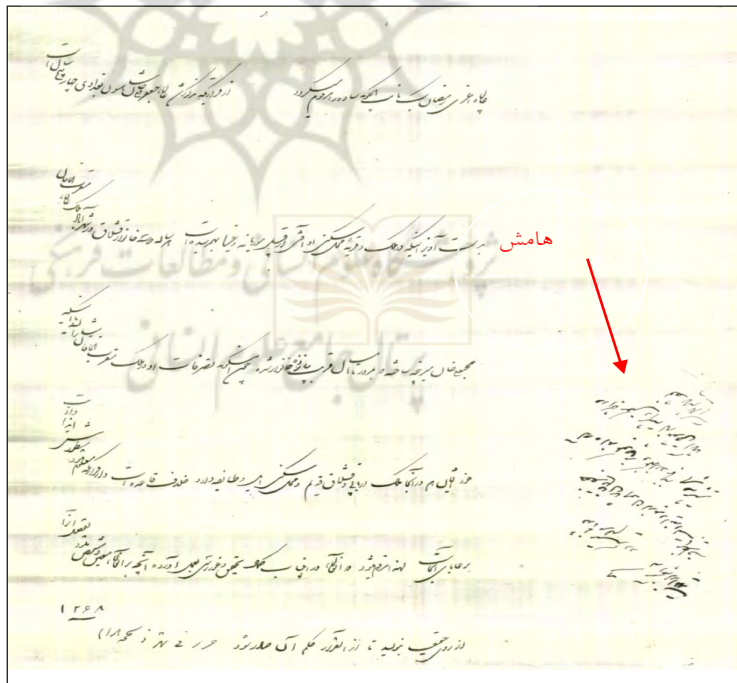
حکم میرزاتقی خان فراهانی
(ساکنه، ۱۶۳۹-۲۱۰)





تصویر ۲

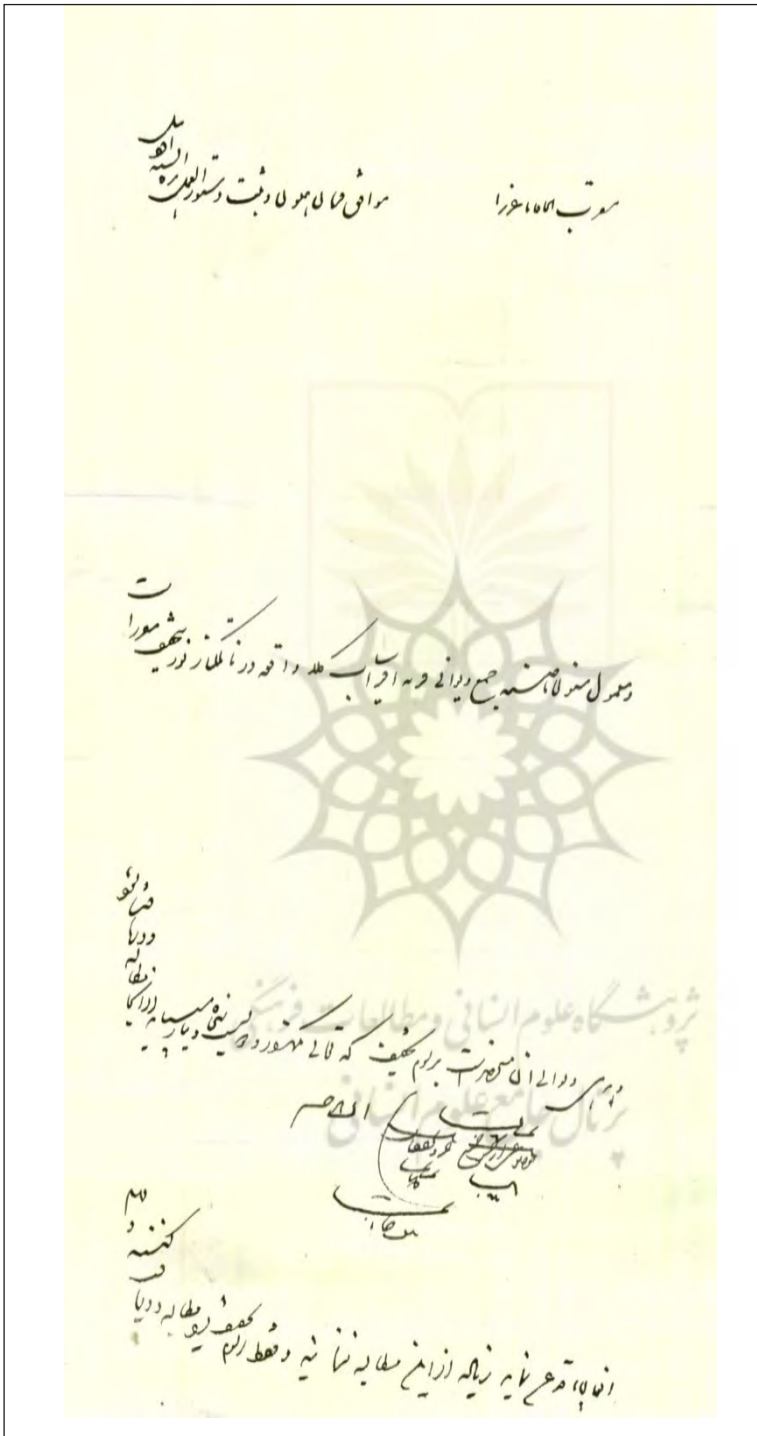
حکم میرزا علی اصغر خان اتابک
(متها: ق ۰۰-۱۶۸۱-۰۰)



تصویر ۳

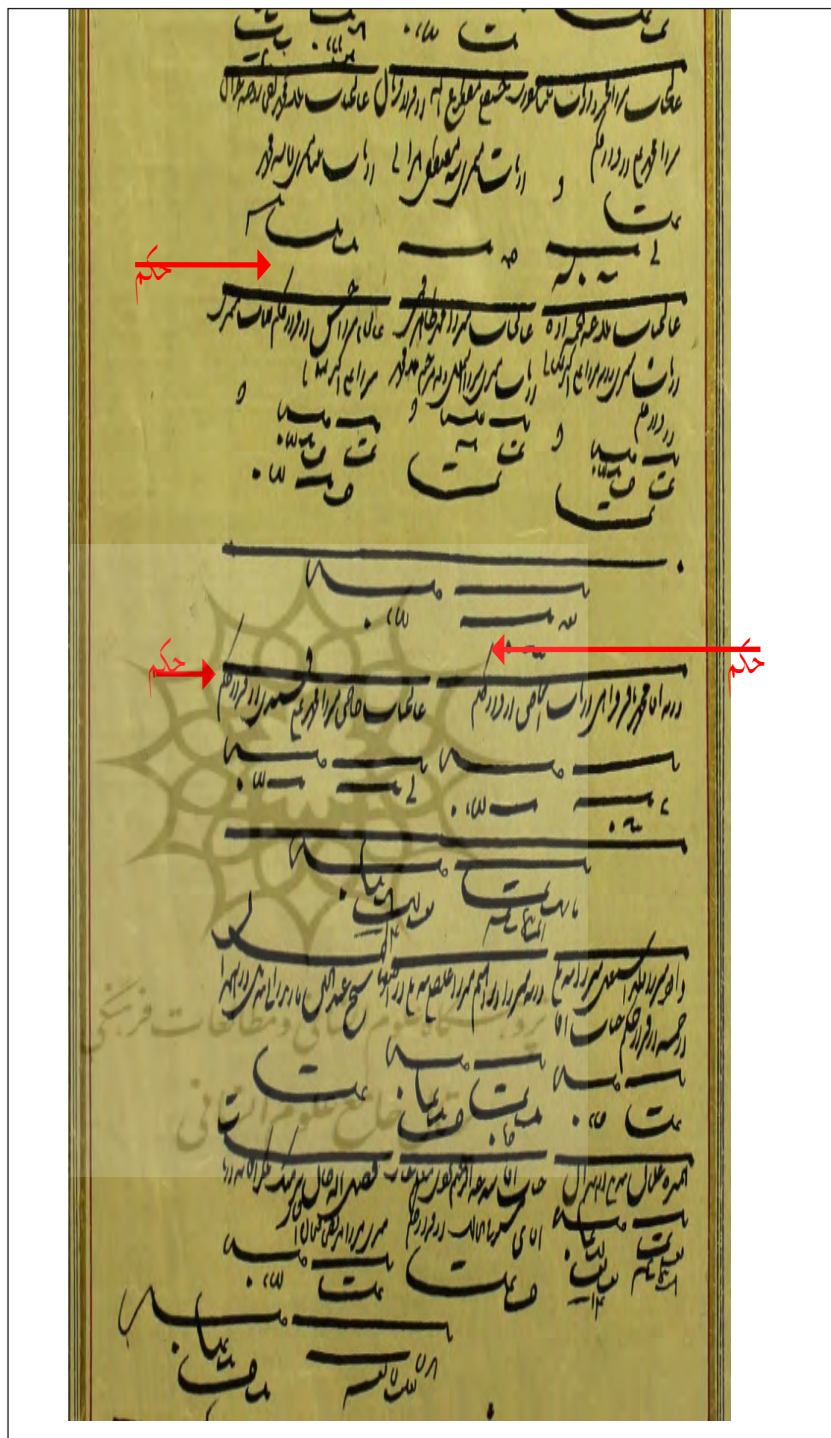
حکم میرزا آقاخان نوری صدراعظم
(ساکله: ۲۹۶-۱۸۱۲۰)





تصویر ۴
حکم میرزایوسف خان مستوفی الجمالک
(ساکما، ۱۲۹۵-۱۲۹۶)

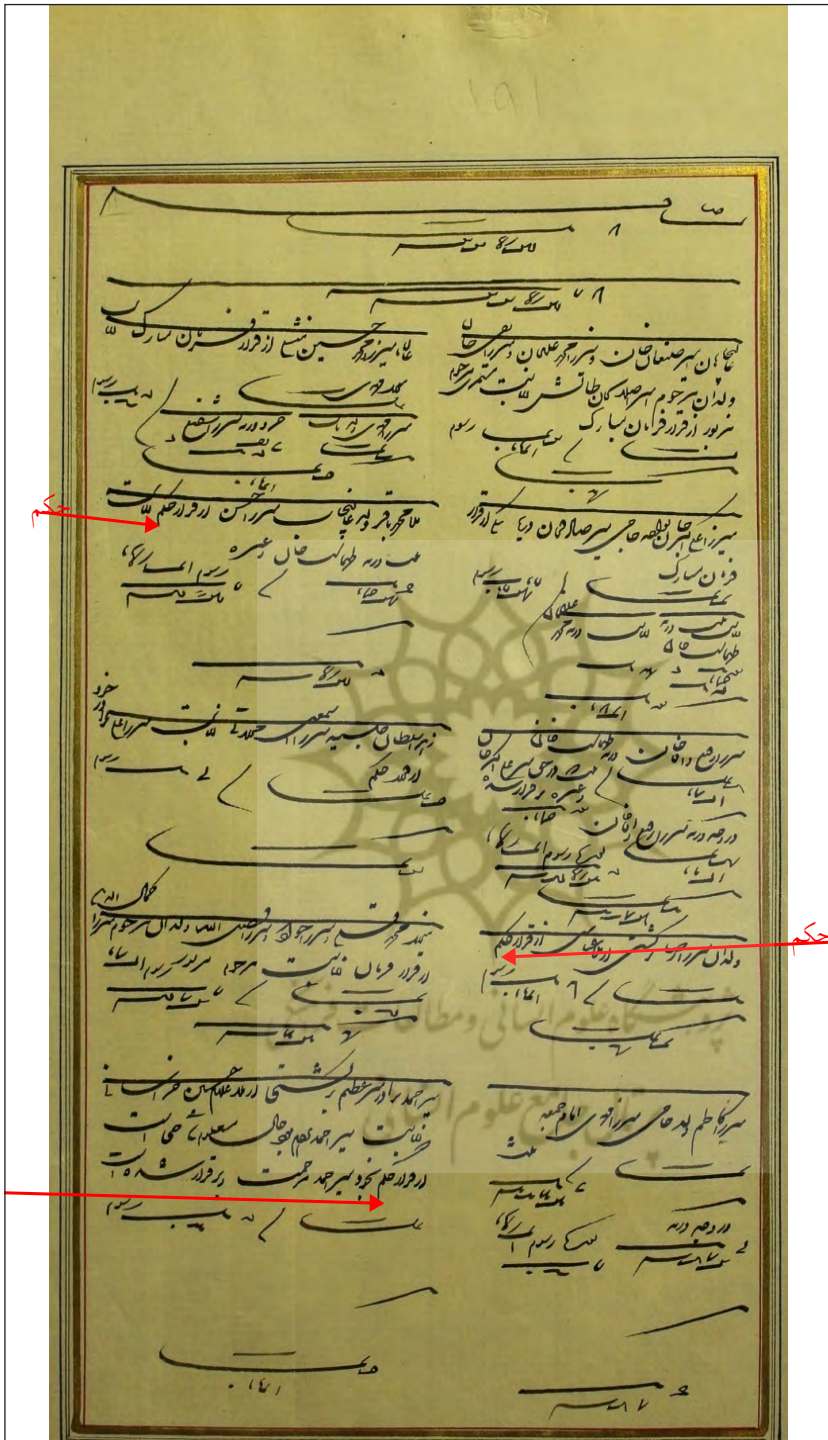




تصویر ۵

واژه حکم در بودجه مستمریات کل
ممالک محروسه ایران
(ساکها، ۷۳۲۰-۲۹۵، برگ ۶۷)



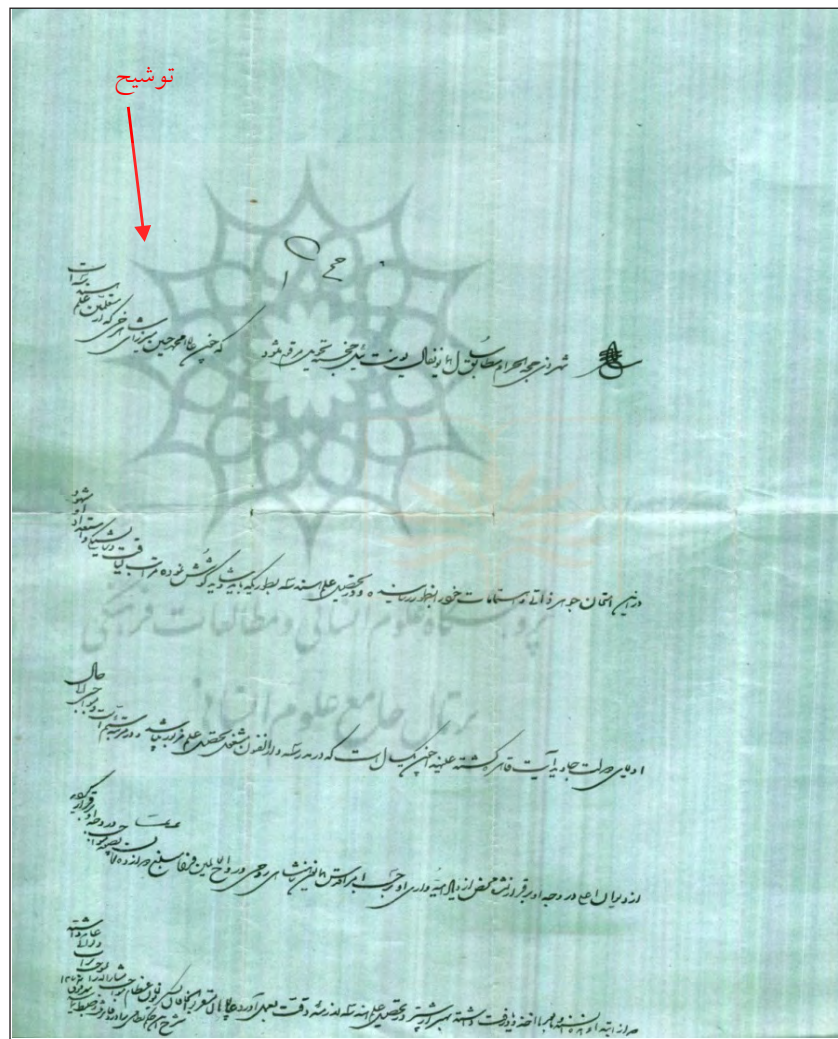


تصویر ۶

واژه حکم در بودجه مستمریات کل
ممالک محروسه ایران (ساکما، ۷۲۲۰-
۲۹۵، برگ ۹۴)



حکم شامل دو بخش رویه و ظهریّه بوده است:
ساختار رویه یا سیمای بیرونی احکام (اضافات یا تصدیقات و حواشی) مرکب از تحمیدیه، توشیح، هامش، و مهر بوده است.
ساختار ظهریّه شامل مهر و اسم وصول کننده حکم بوده است.
تحمیدیه: تحمیدیه تمام احکام در قسمت وسط صدر نامه و معمولاً با عبارت «هو» همراه بود.
توشیح: از بین تمام احکام مشاهده شده، تنها یک حکم از میرزا آقاخان نوری دارای توشیح است و سایر احکام بدون توشیح است. محلّ توشیح این حکم چنانکه تصویر زیر نشان می‌دهد، وسط صفحه، متمایل به سمت چپ مابین سطر اوّل با تحمیدیه است.



تصویر ۷

حکم با توشیح میرزا آقاخان نوری
صدر اعظم (ساکها، ۱۹۳۴-۲۹۶)



تصویر ۸

واژه حکم در بودجه مستمریات کل
ممالک محروسه ایران (ساکما، ۷۲۲۰-
۲۹۵، برگ ۹۴)

هامش: هامش در احکام در سمت راست و به صورت طولی یا عرضی و معمولاً خارج از متن نوشته می‌شود.
محتوا (متن): محتوای احکام شامل مطلع و شرح اشتیاق و مؤخره است که در ادامه یک‌به‌یک توضیح داده می‌شود:

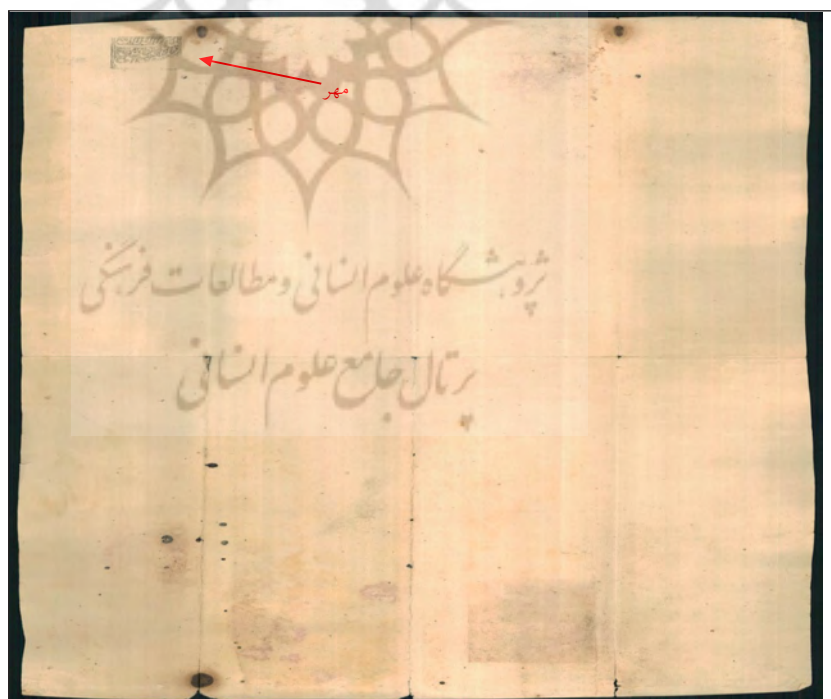
مطلع: مطلع یا مقدمه احکام شامل خطاب و القاب بود: «عالی‌جاه عزت و سعادت همراه میرزانصیر را مرقوم می‌گردد» (ساکما، ۱۶۳۹-۲۱۰)؛ «عالی‌جاه اعزّی رمضان‌بیک نایب‌الحکومه ساوه را مرقوم می‌گردد» (ساکما، ۱۸۱۲۰-۲۹۶)؛ «عالی‌جاه عزت و مجلدت همراه اعزّی» (ساکما، ۶۰۰-۲۹۶)؛ «فدایت شوم فرزندی مهرعلی‌خان» (ساکما، ۶۳۳۴-۲۹۶)؛ «مقرب‌الخاقانا برادرا» (ساکما، ۱۸۱۳۷-۲۹۶)؛ «امیرالامراءالعظاما مخدوما»

(ساکما، ۱۹۳۴۱-۲۹۶)؛ «امیرالأمراء العظاما مخدوما مهربانا» (ساکما، ۱۹۷۶۴-۲۹۶)؛ «مقرب الخاقانا مخدوما» (ساکما، ۱۹۸۵۲-۲۹۶)؛ «مقرب الخاقانا عزیزا» (ساکما، ۸۹۴۵-۲۹۶). ولی در احکام نظامی، خطاب و لقب حذف می‌شد: «به تاریخ شهر ذی‌حجه الحرام مطابق سال همایون فال یونت‌ئیل خجسته تحویل مرقوم می‌شود» (ساکما، ۱۹۳۴۳-۲۹۶).
شرح اشتیاق: بعد از لقب و نام وصول‌کننده حکم، شرح موضوع یا رکن کلام با الفاظی همچون «از قرار»، «چون»، «فرزندی»، «نورچشمی ...» و ... ذکر می‌شد و سپس شرح «حکم» می‌آمد. «احکام» معمولاً برای انتصاب، اعطای لقب و نشان و پرداخت مواجب و عتاب و خطاب، توصیه، رفع دعاوی ملکی، جلوگیری از مهاجرت و تخلیه روستاها، امور اجتماعی، پیگیری مسائل ایالات و ... صادر می‌شد.

مؤخره: شامل دستورالعمل و پیگیری است و در انتهای سند، تاریخ صدور حکم به ماه و سال قمری و سال ترکی مغولی می‌آمد.

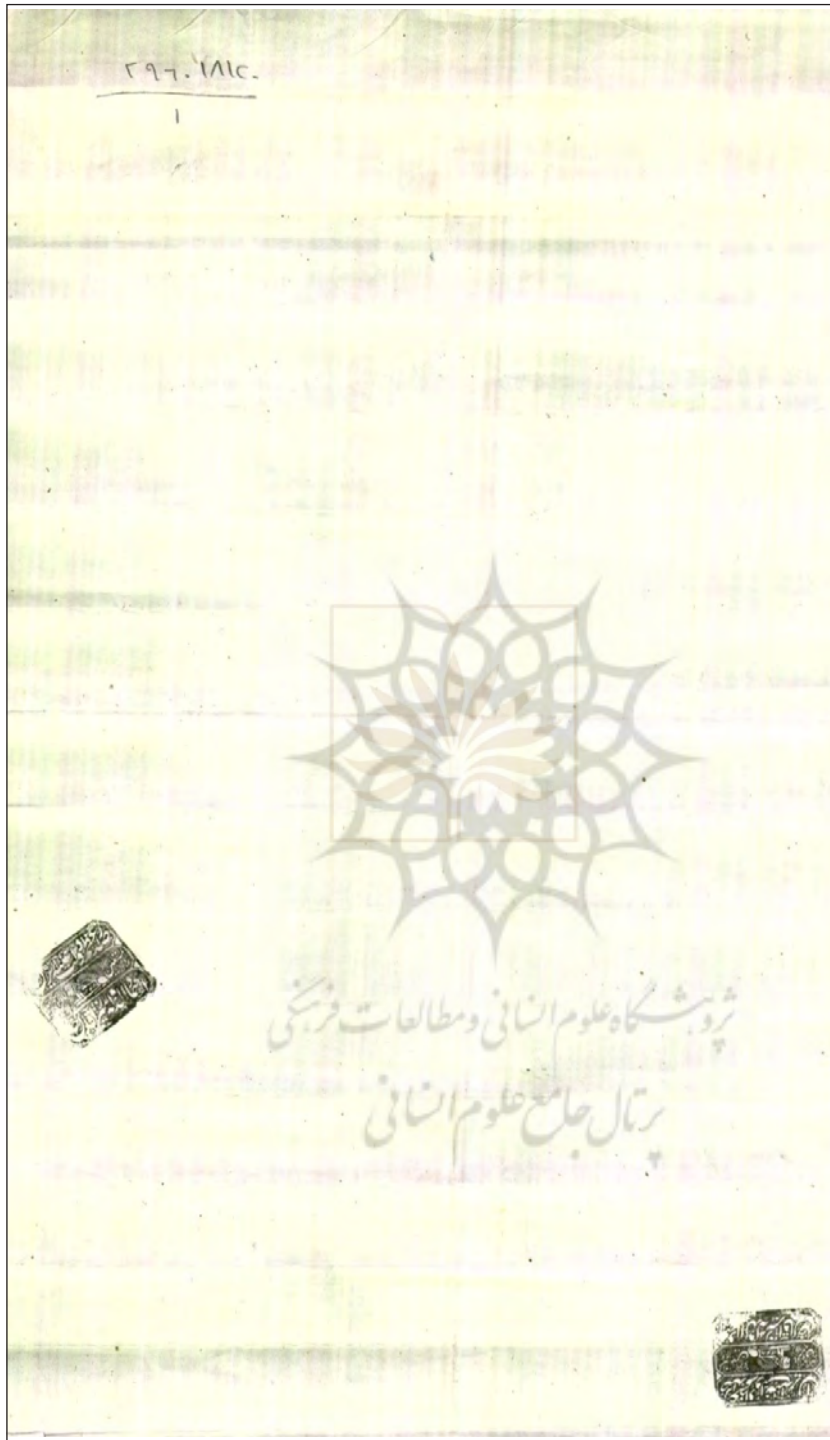
ظهریه احکام شامل دو قسمت بود: در صدر ظهریه نام مخاطب و وصول‌کننده حکم نوشته^۱ می‌شد و در قسمت وسط یا ذیل ظهریه، مهر صدراعظم صادرکننده حکم را ممهور می‌کردند.

۱. در ظهریه برخی از احکام نام مخاطب و وصول‌کننده نیامده است.



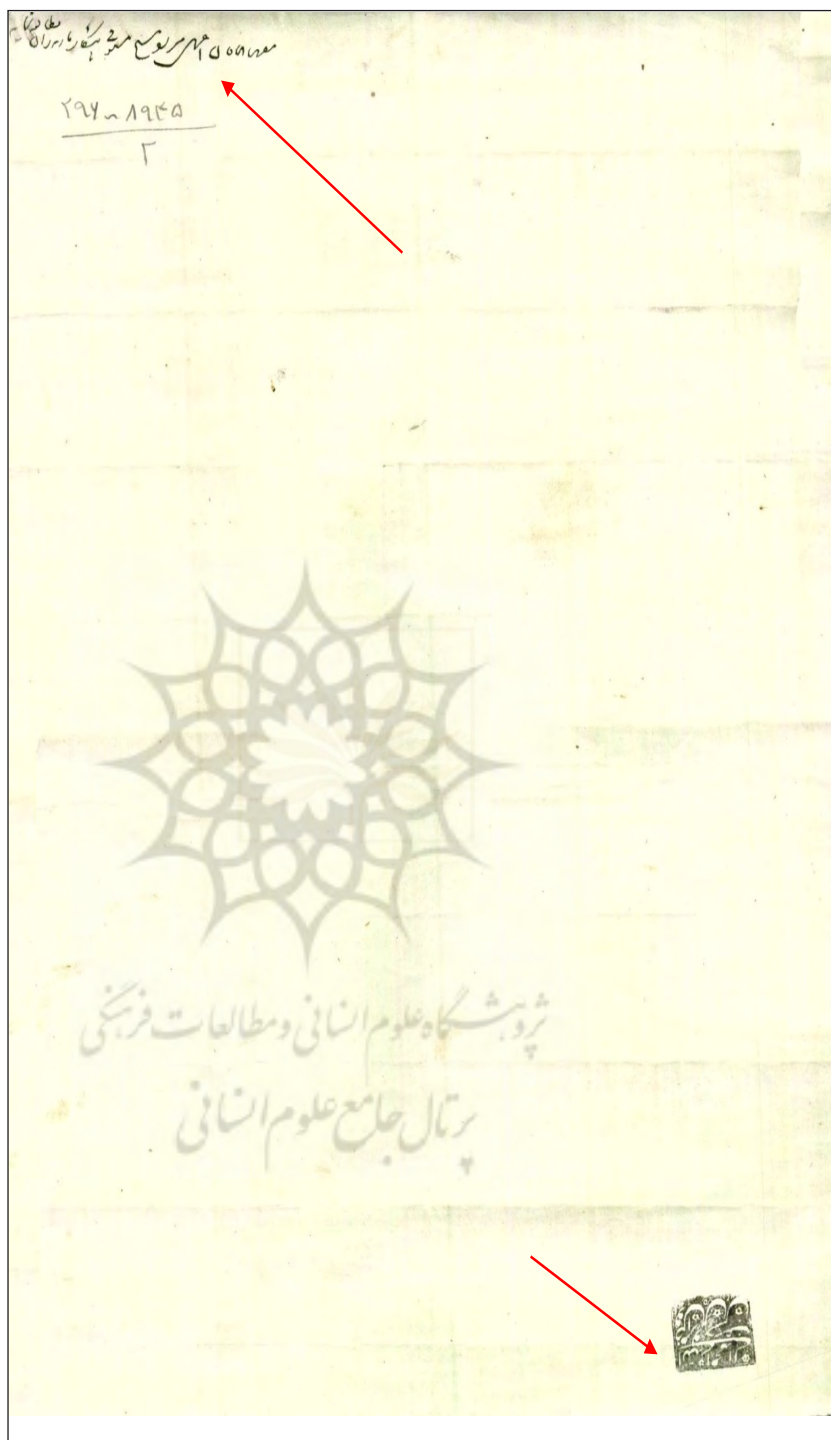
تصویر ۹

ظهریه حکم میرزاتقی‌خان فراهانی
(ساکما، ۱۶۳۹-۲۱۰)



تصویر ۱۰

ظہریہ حکم میرزا آقاخان نوری
(ساکھا، ۱۸۱۲-۲۹۶)



تصویر ۱۱

ظهريه حکم ميرزا يوسف خان
مستوفی الممالک (ساکبا، ۱۹۴۵-۲۹۶)



شکل مهر احکام صدراعظم‌های این دوره به صورت مستطیل، مربع، هشت گوش، بیضی و گلابی است.^۱ مهر احکام صدراعظم در ظهیریه زده می‌شد. نمونه‌هایی از مهر صدراعظم‌های دوره قاجار:

۱. مراد، مهر صدور در ظهیریه احکام است و مهر صدور در ظهیریه فرمان‌ها و ... مدنظر نیست

<p>مهر حکم میرزا آقاخان نوری صدراعظم دولت علییه ایران اعتمادالدوله میرزا آقاخان نوری المستعین الراجی ۱۲۶۸</p>  <p>(ساکمه، ۱۹۴۲۶-۲۹۶)</p>	<p>مهر حکم میرزاتقی خان فراهانی لا إله إلا الله الملك الحق المبين عبده محمدتقی</p>  <p>(ساکمه، ۱۶۳۹-۲۱۰)</p>
<p>مهر حکم میرزا آقاخان نوری صدراعظم دولت علییه ایران اعتمادالدوله میرزا آقاخان نوری المستعین الراجی ۱۲۶۸</p>  <p>(ساکمه، ۱۸۱۲۰-۲۹۶)</p>	<p>مهر حکم میرزا آقاخان نوری صدراعظم دولت علییه ایران اعتمادالدوله میرزا آقاخان المستعین الراجی ۱۲۶۸</p>  <p>(متمه، ۱۱۳۵۵/۱ ق)</p>
<p>مهر حکم میرزا آقاخان نوری صدراعظم دولت علییه ایران اعتمادالدوله میرزا آقاخان ۱۲۶۸</p>  <p>(متمه، ۱۵۸۷۲ پ۶)</p>	<p>مهر حکم میرزا آقاخان نوری صدراعظم دولت علییه ایران اعتمادالدوله میرزا آقاخان ۱۲۶۸</p>  <p>(ساکمه، ۶۳۳۴-۲۹۶)</p>

<p>مهر حکم میرزا آقاخان نوری صراط علی حق مُسکه عبده نصرالله...!</p>  <p>(ساکه، ۱۹۷۳-۲۹۶)</p>	<p>مهر حکم میرزا آقاخان نوری عبده آقاخان ابن اسدالله</p>  <p>(ساکه، ۱۸۰۰-۲۹۶)</p>
<p>مهر میرزا حسین خان مشیرالدوله صدر اعظم دولت علیه ایران مشیرالدوله میرزا حسین خان</p>  <p>(متما، ۲۲/۲-۶۰ پ)</p>	<p>مهر حکم میرزا آقاخان نوری صراط علی حق مُسکه عبده نصرالله</p>  <p>(ساکه، ۱۹۷۳-۲۹۶)</p>
<p>مهر میرزا حسین خان مشیرالدوله صدر اعظم دولت علیه ایران مشیرالدوله میرزا حسین خان ۱۲۸۸</p>  <p>(متما، ۲۲/۲-۵۸۳ پ)</p>	<p>مهر میرزا حسین خان مشیرالدوله صدر اعظم ۱۲۸۸</p>  <p>(جدی، ۱۳۹۰، ص ۱۷۳)</p>
<p>مهر میرزا یوسف خان مستوفی الممالک یوسف بن حسن</p>  <p>(متما، ۲/۴-۷۷۱ پ)</p>	<p>مهر حکم میرزا محمد خان سپه سالار أنا عبد من عبید محمد ۱۲۸۳</p>  <p>(جدی، ۱۳۹۰، ص ۱۸۹)</p>

۱. نقطه چین‌ها علامت افتادگی سال است.

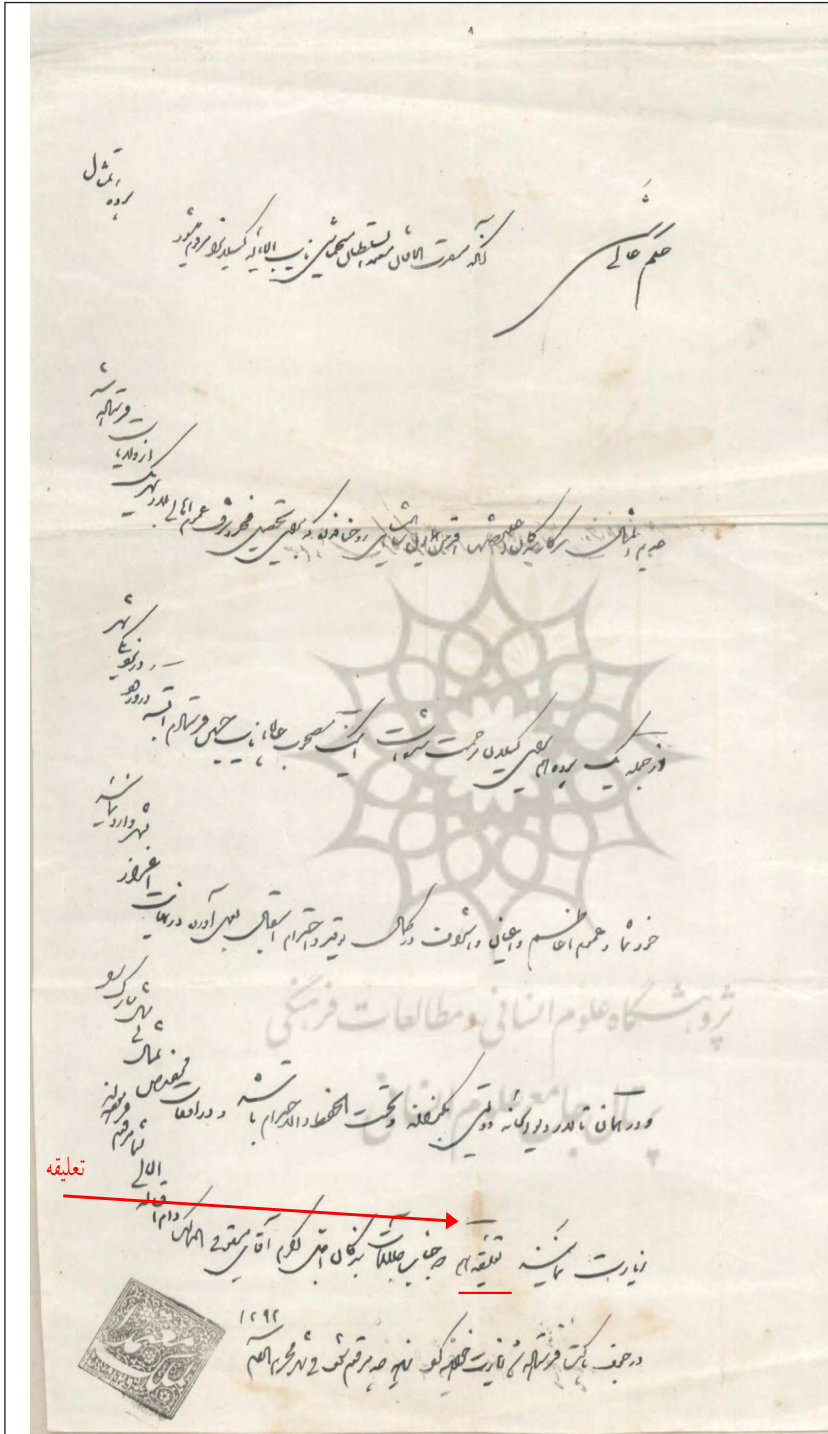
<p>مهر میرزایوسف خان مستوفی الممالک أَوْصُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ يوسف بن محمد حسن</p>  <p>(ساگما، ۸۹۴۵-۲۹۶)</p>	<p>مهر میرزایوسف خان مستوفی الممالک صدراعظم یوسف بن حسن</p>  <p>(متما، ۵۷۶۲/۲ پ)</p>
<p>مهر میرزاعلی اصغر خان اتابک امین السلطان اتابک اعظم</p>  <p>(متما، ق. ۱۰۱۶۸۰-۰۰)</p>	<p>مهر میرزاعلی اصغر خان اتابک امین السلطان صدراعظم</p>  <p>(ساگما، ۱۴۱۲-۲۹۶)</p>
<p>مهر میرزاعلی اصغر خان اتابک امین السلطان امین السلطان ۱۳۰۸</p>  <p>(ساگما، ۰۰۲۵۵-۲۹۶)</p>	<p>مهر میرزاعلی اصغر خان اتابک امین السلطان صدراعظم</p>  <p>(متما، ق. ۱۰۱۶۸۲-۰۰)</p>
<p>مهر میرزاعلی اصغر خان اتابک امین السلطان صدراعظم ۱۳۱۶</p>  <p>(متما، ۵۹۶۱/۲ پ)</p>	<p>مهر میرزاعلی اصغر خان اتابک امین السلطان صدراعظم ۱۳۱۰</p>  <p>(متما، ۲۴۸۵۱ ق)</p>
<p>مهر میرزاعلی اصغر خان اتابک امین السلطان اتابک اعظم ۱۳۲۸</p>  <p>(متما، ۵۷۶۹/۲ پ)</p>	<p>مهر میرزاعلی اصغر خان اتابک امین السلطان هو اتابک اعظم ۱۳۱۸</p>  <p>(متما، ۶۸۵۲/۲ پ)</p>

۱۳. تعریف لغوی و اصطلاحی تعلیقه

لغت تعلیقه در لغت‌نامه‌ها به معنای آنچه بر حاشیه کتاب از شرح و نحو آن می‌افزایند (دهخدا به نقل از اقرب‌الموارد، ج ۵، ۱۳۷۷، ص ۶۸۱۸) و یا چیزی چون حاشیه که برای تکمیل یا توضیح یا تصحیح کتاب می‌نویسند و یا در تداول فارسی، به معنای نامه است (یادداشت به خط مرحوم دهخدا، ج ۵، ۱۳۷۷، ص ۶۸۱۸). هم‌چنین این کلمه مأخوذ از لغت عربی، به معنی ضمیمه و تتمه و حاشیه و فهرست و دفتر و مکتوبی آمده است که از جانب شخص بزرگی نوشته شده باشد (ناظم‌الاطباء، ج ۲، ۱۳۴۳، ص ۹۱۲). در ایران به نوشته پادشاهان رقم می‌گویند و نوشته امرای عظام مثل وکیل و وزیر و ... را تعلیقه می‌نامند (دهخدا به نقل از آندراج، ج ۵، ۱۳۷۷، ص ۶۸۱۸):

خط آمد و کیفیت رخسار تو کم شد تعلیقه معزولی ناز تو رقم شد

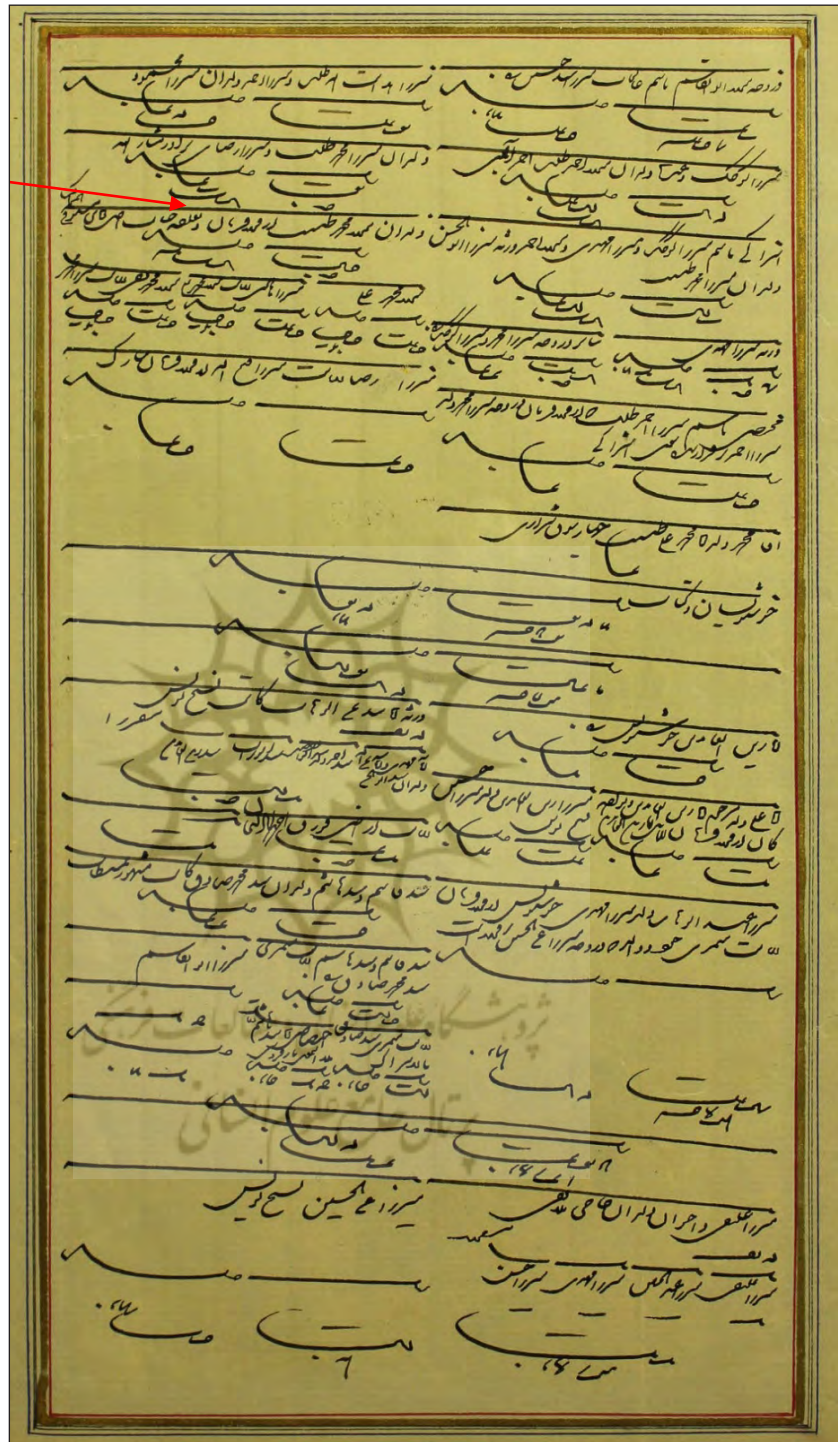
بر اساس کتاب تذکرةالملوک، به دستورات و مکتوبات اداری و دیوانی صدراعظم در عصر صفوی **تعلیقه** گفته می‌شد. در عصر قاجار این نام تغییر پیدا کرد و به «**حکم**» موسوم شد. به این ترتیب در ادبیات دیوانی «**حکم**» جایگزین «**تعلیقه**» شد؛ با این توضیح که «**تعلیقه**» از ادبیات دیوانی حذف نشد و به نوع دیگری از دستورات صدراعظم اطلاق شد (ساکما، ۷۲۲۰-۲۹۵، برگ ۱۰۷). به بیان دیگر، به دستورات و مرقومه‌ای که صدراعظم یا وزیر دیوان اعلی در حاشیه و هامش اسناد و مکتوبات و عرایض مرقوم می‌کرد یا به اصطلاح امروزی پاراف، و امضاء می‌کرد یا دستور اقدام، توصیه و دستورالعملی را در رابطه با آن صادر می‌کرد «**تعلیقه**» می‌گفتند و چنانکه اشاره شد با **حکم** متفاوت بوده است و فرق آن با **حکم** در این است که **حکم** موشح به علامت و مهور به مهر صدراعظم و مقید به ثبت دفتر بوده است؛ حال آنکه **تعلیقه** در قالب دستورات کوتاه یا طغرابی بوده و مقید به ثبت در دفاتر و موشح به علامات نبوده است.



تصویر ۱۲

درباره تعلیقه مستوفی الممالک (ساکها، ۱۶۲۴-۲۹۶)





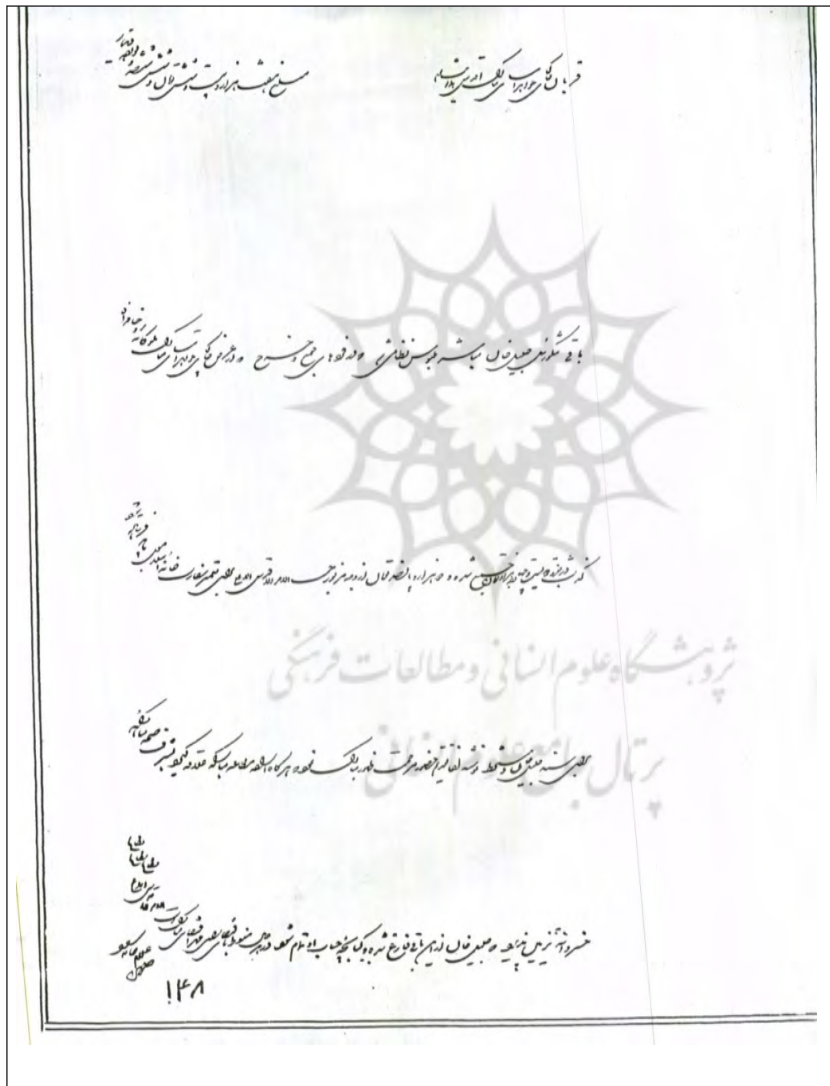
تصویر ۱۳

دربارهٔ تعلیقه‌جات مستوفی‌الجمالیات
(ساکما، ۷۲۲-۲۹۵، برگ ۱۰۷)



۱۴. نوشته‌جات (مکاتبات)

صدراعظم جدای از حکم و تعلیقه، نوشته دیگری داشت که مکاتبات روزانه او در راستای پیگیری دیوان و غیردیوان با پادشاه بود. این نوع مکاتبه گزارش روزانه صدراعظم درباره امور ممالک و درزمینه دیوانی، مالی، امور نظامی و ... بود که به ثبت دفتر مقید نبود (تصویر شماره ۱۴)؛ بلکه صرفاً به دربار فرستاده می‌شد و پس از رؤیت شاه، فردهای (برگ‌های) این گزارش‌ها در بیوتات سلطنتی، در قالب آلبوم درمی‌آمد و ضبط می‌شد (ساکما، ۷۳۸۲-۲۹۵؛ پیرا و نیک‌نژاد، ۱۳۹۷).



۱. مکاتبات میرزا آقاخان نوری با ناصرالدین‌شاه.

تصویر ۱۴

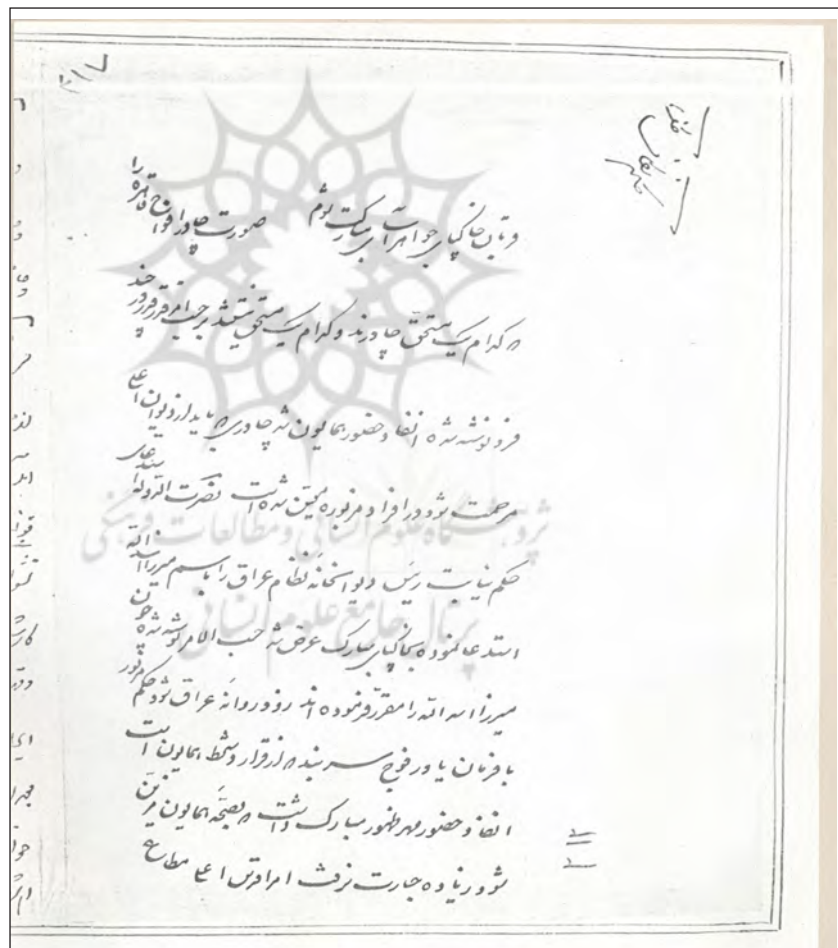
مکاتبه میرزا حسین‌خان سپه‌سالار با ناصرالدین‌شاه (ساکما، ۲۶۳۴-۲۹۵، ص ۴)



ساختار مکتوبات و نوشته‌جات صدراعظم (در خطاب) با شاه، شامل تحمیدیه و خطاب و رکن کلام و مؤخره بوده است. گفتنی است که نوشته‌جات فقط شامل رویه است و فاقد مهر و ظهریه و تاریخ نگارش است.

خطاب معمولاً بدین صورت نوشته می‌شد: «قربان خاک پای جواهر آسای مبارک اقدس همایونت شوم».

متن: شرح اتفاقات و گزارش ماوقع و پیگیری امور بوده است. مؤخره: در مؤخره این چنین ذکر می‌شد: الأمر الأقدس الأعلى مطاع مطاع (ساکما، ۲۶۳۴-۲۹۵، ص ۴).



تصویر ۱۵

مکتبته میرواحسین خان سپه سالار با
ناصرالدین شاه (ساکما، ۲۰۴۴-۲۹۵)



۱۵. ثبت و ضبط احکام و تعلیقه‌جات

از نحوه ثبت و ضبط احکام و تعلیقه‌جات صدور اطلاعی در دست نیست؛ به طوری که تا به حال سند و کتابچه‌ای دال بر ثبت احکام به دست نیامده است. ولی مسلم این است که احکام و تعلیقه‌جات برخلاف سلطانیات و ارقام، به ثبت و امضای مستوفیان و منشیان نمی‌رسیده است و صرفاً توسط منشی یا محرر صدر اعظم نوشته می‌شده و به ثبت و ضبط می‌رسیده است: «عالی‌جاهان لشکر نویسان عظام مواجب مشارالیه را به موجب برات دیوانی عاید داشته، شرح این حکم نظامی را در دفاتر ثبت و ضبط نمایند. شهر فوق [ذی‌حجه الحرام مطابق یونت‌ئیل] ۱۲۷۳» (ساکما، ۱۹۳۴۳-۲۹۶).

۱۶. نتیجه‌گیری

احکام و تعلیقه‌جات صدر اعظم‌های عصر قاجار یکی از مهم‌ترین اسناد و منابع تاریخی اند که در پژوهش‌های تاریخی این عصر اهمیتی ویژه دارند. علاوه بر آن، این اسناد متضمن اطلاعاتی درباره بخشی از وظایف دیوانی صدور در عصر قاجار است که در تعقیب دستورات پادشاه و در رابطه با اموری پایین‌تر از سطح دستورات پادشاه و مواردی که قابل عرض به شاه نبود، تولید و صادر می‌شد و خارج از گردش دیوانی توسط یکی از محرمان و مقربان و کتاب و منشیان صدر اعظم به رشته تحریر درمی‌آمد. این اسناد از لحاظ ساختار و سیمای بیرونی شامل رویه و ظهریه، همراه با اضافات و حواشی بوده است. تعلیقه به دستورات و نوشته‌های صدر اعظم گفته می‌شد که در هامش و حاشیه نامه‌ها و عرایض و مکتوبات می‌آمد. اصطلاح «حکم» نام اصلی و جنبه رسمی مکاتبات و نامه‌های اداری صدور بود و «تعلیقه» دستورات صدر اعظم بود که بدون علامات و در حواشی نامه‌ها و عرایض و ... می‌آمد. هم‌چنین روشن شد که نوشته‌جات، گزارش کار روزانه صدر اعظم به پادشاه بوده است که به خط خود صدر اعظم نوشته می‌شده و مقید به ثبت و موشح به علامات نبوده است. هم‌چنین روشن شد که حکم صدر اعظم در طبقه‌بندی اسناد اصطلاحی دیوانی است و بر این اساس، آن را جزء اسناد دیوانیات قرار می‌دهیم.



منبع

اسناد

آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما): ۱۶۳۹-۲۱۰؛ ۲۶۳۴-۲۹۵؛ ۷۲۲۰-۲۹۵؛ ۷۳۸۲-۲۹۵؛
۲۰۴۴-۲۹۵؛ ۰۰۰۲۵۵-۲۹۶؛ ۱۴۱۲-۲۹۶؛ ۶۰۰۰-۲۹۶؛ ۶۳۳۴-۲۹۶؛ ۸۹۴۵-۲۹۶؛ ۱۶۲۴۳-۲۹۶؛
۱۸۰۰۰-۲۹۶؛ ۱۸۱۲۰-۲۹۶؛ ۱۸۱۳۷-۲۹۶؛ ۱۹۳۴۱-۲۹۶؛ ۱۹۳۴۳-۲۹۶؛ ۱۹۴۲۶-۲۹۶؛ ۱۹۷۲۳-
۲۹۶؛ ۱۹۷۶۴-۲۹۶؛ ۱۹۸۵۲-۲۹۶.

آرشیو موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران (متما): ق ۰-۱۰۱۶۸۰-۰-۰؛ ق ۰-۱۰۱۶۸۱-۰-۰؛ ق ۰-۰-۰-
۱۰۱۶۸۲-۰-۰؛ ۱۳۵۵/۱؛ ۲۴۸۵/۱؛ ۵۷۶۲/۲؛ ۵۷۶۹/۲؛ ۵۸۳۸/۲؛ ۵۹۶۱/۲؛ ۶۰۲۲/۲؛ ۶۱۵۸/۲؛
۶۱۵۸/۲؛ ۶۸۵۲/۲؛ ۷۷۱۱/۲.

کتاب

پیرا، سعاد؛ نیک‌نژاد، علی‌رضا. (۱۳۹۷). *مکاتبات و نامه‌های میرزا علی اصغر خان اتابک امین‌السلطان با مظفرالدین‌شاه*. (سعاد پیرا و علی‌رضا نیک‌نژاد، مصححان). تهران: تاریخ ایران.
تذکره الملوک؛ به همراه تعلیقات مینورسکی بر تذکره الملوک. (۱۳۶۸). (ج ۲). (سید محمد دبیرسیاقی،
کوشش گر). تهران: امیرکبیر.
جدی، محمدجواد. (۱۳۹۰). *مهرهای سلطنتی در مجموعه موزه کاخ گلستان*. تهران: کتاب‌خانه، موزه و
مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
خورموجی، محمدجعفر. (۱۳۴۴). *تاریخ قاجار: حقایق اخبار ناصری*. (ج ۱). (حسین خدیوجم، مصحح).
تهران: زوآر.

قائم‌مقامی، جهانگیر. (۱۳۵۰). *مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی*. تهران: انجمن آثار ملی.
لسان‌الملک (سپهر، محمدتقی). (۱۳۷۵). *ناسخ‌التواریخ*. (ج ۱). (جمشید کیانفر، مصحح). تهران: اساطیر.
هدایت، رضاقلی‌خان. (۱۳۳۹). *تاریخ روضه‌الصفای ناصری*. (ج ۹). تهران: خیام.
همدانی، رشیدالدین فضل‌الله. (۱۳۷۴). *جامع‌التواریخ*. (ج ۲). (بهمن کریمی، کوشش گر). تهران: اقبال.

لغت‌نامه

دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). *لغت‌نامه دهخدا*. (ج ۵، ج ۶). تهران: دانشگاه تهران.
ناظم‌الاطباء (نقیسی، علی‌اکبر). (۱۳۴۳). *فرهنگ نقیسی یا فرنودسار*. (ج ۲). تهران: خیام.

English Translation of References

Documents

Āršiv-e Mo'assese-ye Motālē'āt-e Tārix-e Mo'āser-e Irān (Motmā) (Institute for Iranian Contemporary Historical Studies) (www.IIchs.org): 0-ق; 0-0-101680-ق; 0-101681-ق; 0-0-101682-ق; 24851-ق; 1/11355-ق; 2/5762-ق; 2/5769-ق; 2/5838-ق; 2/7711-ق; 2/6852-ق; 2/6158-ق; 2/6022-ق; 2/5961-ق. [Persian]

Āršiv-e Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives of Iran): 210-1639; 295-2643; 295-7220; 295-7382; 295-2044; 296-000255; 296-6000; 296-8945; 296-16243; 296-18000; 296-18120; 296-18137; 296-19341; 296-19343; 296-19426; 296-19723; 296-19764; 296-19852. [Persian]

Books

GhaemMaghami, Jahangir. (1350/1971). "*Moqaddame-ee bar šenāxt-e asnād-e tārixī*" (Recognition of historical documents). Tehran: Anjomanē'Āsār-e Melli (Society for the Appreciation of Cultural Works and Dignitaries). [Persian]

Hamedani, Rashid Al-Din Fazlollah. (1374/1995). "*Jāme'-ot-tavārix*" (Compendium of chronicles) (vol. 2) (2nd ed.). Edited by Bahman Karimi. Tehran: Eqbāl. [Persian]

Hedayat, Reza Gholi Khan. (1339/1960). "*Tārix-e roza-tos-safā-ye Nāseri*" (Rawdat al-Safa) (vol. 9). Tehran: Xayyām. [Persian]

Jeddi, Mohammad Javad. (1390/2011). "*Mohr-hā-ye saltanati dar majmu'e-ye muze-ye Kāx-e Golestān*" (Royal seals in Golestan palace museum collection: A fully descriptive and illustrated catalogue). Tehran: Ketābxāneh, MuzehvaMarkaz-e Asnād-e Majles-e Šorā-ye Eslāmi (Library, Museum and Document Center of Iran Parliament). [Persian]

Khormoĵi, Mohammad Jafar. (1344/1965). "*Tārix-e Qājār: Haqāyeqol-axbār-e Nāseri*" (Qajar history: Truthful Naseri news) (vol. 1). Edited by Hossein Khadiv Jam. Tehran: Zovvār. [Persian]

Lesan Al-Molk (Sepehr, Mohammad Taghi). (1375/1996). "*Nāsex-ot-tavārix*" (The Corrector of Chronologies) (vol. 1). Edited by JamshidKianfar. Tehran: Asātir. [Persian]



Pira, Sa'ad; & Niknejad, Alireza. (1397/2018). *"Mokātebātva name-hā-ye Mirzā Ali Asqar-Xān-e Atābak Amin-os-Soltān bā Mozaffar-ed-Din Šāh"* (Correspondences and letters of Mirza Ali Asghar Khan Atabek Amin al-Sultan with Mozaffar al-Din Shah). Edited by Sa'ad Pira & Alireza Niknejad. Tehran: Tārix-e Irān. [Persian]

"Tazkera-tol-moluk; Be hamrāh-e ta'liqāt-e Minoreski bar tazker-tol-moluk" (Tazkirat Al-Muluk) (2nd ed.). (1368/1989). Edited by Seyyed Mohammad Dabir Siaghi. Tehran: Amir Kabir. [Persian]

Dictionaries

Dehkhoda, Ali- Akbar. (1377/1999). *"Loqat-nāme-ye Deh-xodā"* (Dehkhoda Dictionary) (Vol. 5 & 6). Tehran: Dānešgāh-e Tehrān (University of Tehran). [Persian]

Nazem Al-Atebba (Nafisi, Ali Akbar). (1343/1964). *"Farhang-e Nafisi yā Farnudsār"* (Nafisi's Dictionary or Farhang-e Farnudsar) (vol. 2). Tehran: Xayyām. [Persian]

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی